

بررسی انواع و سطوح مشارکت شهروندان در شهرداری ها

مجید قاسمیان

کارشناسی مدیریت بازرگانی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

در این مقاله، به بررسی انواع و سطوح مشارکت شهروندان در شهرداری ها پرداخته شد. روش تحقیق کتابخانه ای با استفاده از کتب، مقالات و پایان نامه ها انجام گرفت. نتایج نشان داد مشارکت شهروندان به عنوان یک عنصر کلیدی در مدیریت شهری، ابعاد مختلفی از جمله مشارکت اطلاعاتی، مشورتی، عملی، مالی و سیاسی را در بر می گیرد. هر یک از این ابعاد می تواند به تقویت ارتباطات بین شهروندان و نهادهای دولتی کمک کرده و اعتماد عمومی را افزایش دهد. همچنین، سطوح مختلف مشارکت، از فردی تا اجتماعی، نشان دهنده این است که هر شهروند می تواند به نحوی در فرآیندهای تصمیم گیری و برنامه ریزی شهری نقش داشته باشد. این مشارکت ها نه تنها به بهبود خدمات و پروژه های شهری کمک می کند، بلکه حس تعلق و مسئولیت پذیری را در میان شهروندان تقویت می نماید.

واژه های کلیدی: مشارکت، شهروند، شهر، شهرداری

مقدمه

مشارکت شهروندان در فرآیندهای مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های شهری به‌عنوان یکی از ارکان اساسی توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی در جوامع شهری شناخته می‌شود. در دنیای امروز، با افزایش پیچیدگی‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، نیاز به مشارکت فعال شهروندان در مدیریت شهری بیش از پیش احساس می‌شود. شهرداری‌ها به‌عنوان نهادهای مسئول در ارائه خدمات عمومی و مدیریت منابع شهری، می‌توانند با جلب مشارکت شهروندان، به بهبود فرآیندهای تصمیم‌گیری و ارتقاء کیفیت خدمات خود بپردازند. مشارکت شهروندان در شهرداری‌ها به اشکال مختلفی از جمله مشارکت اطلاعاتی، مشورتی، عملی، مالی و سیاسی بروز می‌کند. این مشارکت‌ها نه تنها به تقویت ارتباطات بین شهروندان و نهادهای دولتی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به افزایش شفافیت، پاسخگویی و اعتماد عمومی منجر شود. از سوی دیگر، سطوح مختلف مشارکت، از فردی تا اجتماعی، نشان‌دهنده این است که هر شهروند می‌تواند به‌نحوی در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهری نقش داشته باشد. لذا در این مقاله، به بررسی انواع و سطوح مشارکت شهروندان در شهرداری‌ها پرداخته خواهد شد.

مشارکت شهروندان

مشارکت مردمی به معنی گردهم آیی و تشکل آگاهانه و خودجوش جمعی از شهروندان ساکن در یک محدوده به منظور بهبود وضعیت زندگی به شیوه ای غیر انتفاعی و براساس آگاهی‌های فردی و جمعی آنها در کلیه مراحل تهیه طرح، نظارت و اجرا می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۷). به نحوی که این دخالت و درگیری داوطلبانه منجر به بروز ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های نهفته مردمی شده و آنها را با محدودیت‌ها و امکانات طرح در هریک از مراحل آن آشنا ساخته و موجب تقویت اعتماد به نفس، افزایش روحیه همکاری و همچنین تحکیم همبستگی‌های اجتماعی می‌شود. از طرفی قدرت رویارویی مردم با مسائل و مشکلات زندگی شهری افزایش می‌یابد. علی‌رغم منافع و ضرورت‌های آشکار و نهان مشارکت مردمی، هنوز نقش و جایگاه تعیین‌کننده‌ای در طرح‌های نوسازی بافت‌های فرسوده شهری که نیازمند دخالت گسترده مردم در فرآیند انجام آنها می‌باشد، به دست نیاورده است (غلامی، ۱۳۹۹). از طرفی مشارکت، پیشینه‌ای تاریخی دارد، عمل مشارکت، با مفاهیم همبستگی، همکاری، یاری، اتحاد، انجمن و نظایر اینها همراه است. مشارکت تعهدی فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسوؤلانه است، و یکی از ساز و کارهای اعمال قدرت به شمار می‌رود که تنها می‌تواند از درون برخیزد. بلور واقعی مشارکت در جمع روی می‌دهد و در جمع بازتاب می‌یابد (خوانساری و نیل‌فروشان، ۱۳۹۹).

از این روست که مشارکت فرایندی اجتماعی به شمار می‌رود (کاکاوند و همکاران، ۱۳۹۲). امر مشارکت مردم در امور اجرایی، توسعه و عمران بافتهای شهری به خصوص نوسازی بافت‌های فرسوده شهری که در حال حاضر از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشند به اعتباری ساده و سهل و بدیهی به نظر می‌رسد، به نحوی که شاید برخی طرح موضوع را چندان ضروری ندانسته و بر این باور باشند که وجود زمینه‌های سنتی مشارکت در جامعه و تنها تقویت و پرورش این زمینه‌ها و احیاناً ایجاد انگیزه‌های مناسب در عرصه مشارکت کافی باشد. اما تجربه حاکی از آن است که بدهات هر امری نشانه سادگی و سهولت دستیابی به آن نیست و لازمه تحقق آن نیازمند مطالعات وسیع و ایجاد نهادها و تشکل‌های مردمی و قانونی می‌باشد (پورصفر و همکاران، ۱۳۹۸). بدون تردید نادیده گرفتن مردم در طرحهای عمران شهری ازجمله طرحهای نوسازی شهری به معنی چشم پوشی از مشارکت مادی و معنوی مردمی خواهد بود که متغیر اصلی این مقوله بوده و چه بسا اگر مردم در تمام مراحل طرح

آگاه از جریان امر نباشند، طبیعتاً نسبت به طرح و اتفاقات محیط شهری خویش نیز بی تفاوت خواهند بود (کاکاوند و همکاران، ۱۳۹۲).

انواع مختلف مشارکت شهروندان

براساس یک تعریف کلی، مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. به همین جهت باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع (امر شرکت نمودن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمایز قائل شد. بر این اساس می توان انواع مشارکت مردم را به صورت زیر دسته بندی کرد (حامد مقدم، ۱۳۸۳):

- مشارکت اقتصادی

مشارکت اقتصادی بر تاثیرگذاری بر روند و شیوه تولید به لحاظ روابط حاکم بر این روند و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می کند.

مشارکت اقتصادی به معنای حضور و همکاری آگاهانه اқشار مختلف در جهت تولید، پس انداز، سرمایه گذاری بیشتر و مطلوب تر، توزیع مناسب و عادلانه تر و مصرف بهینه از منابع طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است.

در مشارکت واقعی، شرکت دادن رده های پایین جامعه در فرآیند توسعه در سطوح اجرا، تصمیم گیری، نظارت و برخورداری از منابع مطرح است، ولی در تمرکز زدایی و خصوصی سازی مشارکت اقتصادی بر تاثیرگذاری بر شیوه و پویای تولید به لحاظ روابط حاکم بر این پویا و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می کند.

البته مشارکت اقتصادی به معنای خصوصی سازی نیست، زیرا در روند خصوصی سازی کسانی که دارای برخورداری مالی و سرمایه بالایی هستند، یعنی کسانی که به منابع قدرت سیاسی و حاکمیت دسترسی دارند وارد و سهم می شوند که برآیند آن قطبی شدن جامعه و تشدید شکاف طبقاتی است و این مغایر با اصل برابری و ورود رده های محروم و پایین جامعه در فرآیند توسعه در سطوح اجرا، تصمیم گیری، نظارت و برخورداری از منافع مطرح است، ولی در تمرکززدایی و خصوصی سازی عملاً رده های پایین جامعه به دلیل ناتوانی مالی و سیاسی شرکت داده نمی شوند (علوی تبار، ۱۳۸۹).

- مشارکت اجتماعی

مشارکت اجتماعی مفهومی گسترده و با ابعاد وسیع می باشد. آن متضمن انواع فعالیت های فردی یا اجتماعی تاثیرگذار بر تصمیم گیری ها و سیاست های دستگاههای عمومی از سطح پایین شهرداری، نظام آموزشی و... تا سطوح بالاتر دستگاههای عالی قانون گذاری اجرایی و قضایی است. مشارکت اجتماعی در معنای وسیع در بردارنده انواع کنش های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم گیری مربوط به امور عمومی است. به عبارتی مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت های داوطلبانه و ارادی دلالت دارد که از طریق آنها اعضای یک جامعه در

امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و در مناسبات حیات اجتماعی خود مشارکت دارند. در نتیجه مشارکت اجتماعی که با مشارکت مردمی قرابت شدیدی دارد اولاً مشارکتی است که از متن جامعه بر می آید و ثانیاً عرصه های مختلف حیات اجتماعی را بر می گیرد.

- مشارکت روانی

مشارکت روانی مورد تأکید روان شناسان اجتماعی است و دلالت بر نوعی درگیری ذهنی و عاطفی دارد که زمینه ساز ابتکارات جمعی است. راجرز و شومیکر معتقدند که مشارکت یک درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت های گروهی است که آنان را بر می انگیزد تا برای دستیابی به هدف های گروهی همدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند. مشارکت روانی در قالب ایجاد تغییر و دگر گونی در ذهنیت ها و شکستن عقاید قالبی نامناسب و شرکت در عمل جمعی مشترک، گرایش و آمادگی روانی لازم را به برای کنش جمعی فراهم می نماید (غفاری، ۱۳۹۱).

- مشارکت فرهنگی

مشارکت فرهنگی یعنی شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه افراد، گروهها و سازمانهای تشکیل دهنده یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی آن جامعه به منظور گسترش توسعه پایدار، متوازن و همه جانبه حیات فرهنگی است. شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه به این معنا است که حضور در عرصه مشارکت فرهنگی، حضور فعالانه با انگیزه، فارغ از الزامات و تعین های تحمیلی و مبتنی بر تصمیم گیری عاقلانه و آگاهانه و با اتکا به شناخت برون داده ها و تاثیرات مشارکت فرهنگی است. بنابراین مقید نمودن تعریف مشارکت فرهنگی به ویژگی های شرکت داوطلبانه ارادی و آگاهانه این نوع از فعالیت ها را از سایر فعالیت های معمولی و روزمره زندگی که ممکن است بنای آن بر پیروی کورکورانه از قیود، سنت ها و تعین های اجتماعی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و سنتی در اجتماعات شهری، محلی، روستایی و عشایری باشد متمایز می کند (غفاری، ۱۳۹۱).

- مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست گذاری تعریف کرده اند. نلسون و هانتینگتون مشارکت سیاسی را فعالیت اعضای جامعه برای تاثیرگذاری بر سیاست های عمومی دانسته اند. در بیشتر تعاریف صورت گرفته از مشارکت سیاسی، خصیصه حاکمیت مردم در انتخابات و دخالت در تصمیم گیری ها و اداره امور کشور و مشارکت آگاهانه و قدرتمندانه مردم در کلیه نهادهای اجتماعی است (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۴). به نظر "مایرون واینر" مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر، شامل روش های مشروع و غیر مشروع برای تاثیر بر انتخاب رهبران و سیاست ها و اداره عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است. مشارکت سیاسی مشارکت در فرآیند قدرت و انتخاب مسئولین و مداخله در امر تصمیم گیری در نظام سیاسی است (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۴).

اندیشه های مهم در مشارکت شهروندان

الف - درگیری ذهنی و عاطفی:

مشارکت به معنی درگیری ذهنی و عاطفی است و تنها به کوشش بدنی محدود نیست. در مشارکت خود شخص درگیر است و مهارت و کاردانی وی درگیر نیست. درگیری روان شناختی است و نه جسمانی. انسانی که مشارکت می کند خود - درگیر است و نه کار - درگیر. بعضی مدیران درگیر شدن در کار را به اشتباه به مشارکت واقعی تعبیر می کنند. اینان در حرکت های کالبدی مشارکت می کنند و نه در چیز دیگری (حسینی، ۱۳۸۷).

ب - انگیزش برای یاری دادن

دومین اندیشه مهم در مشارکت آن است که مشارکت مردم را به یاری دادن بر می انگیزد. مردم از راه مشارکت فرصت آن را می یابند که قابلیت های ابتکار و آفرینندگی خود را برای دستیابی به هدف های سازمان به کار گیرند. مشارکت یک داد و ستد اجتماعی دو سویه میان مردم است و نه روش تحمیل اندیشه ها از سوی پایین دست ها به بالا دست. ارزش و سودمندی بزرگ مشارکت آن است که آفرینندگی همه کارکنان را به کار می گیرد. مشارکت از راه یاری دادن به کارکنان برای پی بردن و روشن کردن راههای دست یابی به هدف ها به ویژه انگیزش را بهبود می بخشد.

ج - پذیرش مسئولیت

سومین اندیشه در مشارکت آن است که مشارکت مردم را بر می انگیزد تا در کوشش های گروه خود مسئولیت بپذیرند. این فراگرد اجتماعی است که به یاری آن مردم به مرحله خود - درگیر در سازمان می رسند و خواهان کامیابی سازمان خود می - باشند. در حالی که افراد برای کوشش های گروهی به پذیرش مسئولیت رو می آورند و در می یابند که آن چه را خود می خواهند انجام می دهند یعنی آنکه کاری را به پایان می رسانند که خود را برای آن مسؤول می شمارند (حسینی، ۱۳۸۷).

سطوح مشارکت

"مشارکت" حلقه اتصال روابط میان بخش دولتی، بخش خصوصی و بخش مردمی است که در عین تامین منافع خاص، هدف مشترکی را تامین می کند و به تحقق آن سرعت می بخشد. سطوح مشارکت با توجه به نوع طرح و زمینه سازی های اجتماعی و مدیریتی در سطح های زیر تعریف می شود:

- مشارکت در تصمیم سازی
- مشارکت در تصمیم گیری
- مشارکت در سرمایه گذاری
- مشارکت در اجرا

مشارکت در سنجش و بازنگری (علوی، ۱۳۷۹).

ابعاد و سطوح مشارکت شهروندان در شهرداری ها

مشارکت شهروندان در شهرداری ها ابعاد و سطوح مختلفی دارد که هر کدام می تواند به بهبود فرآیندهای مدیریتی و ارتقاء کیفیت زندگی شهری کمک کند. در ادامه به برخی از این ابعاد و سطوح اشاره می کنم:

ابعاد مشارکت شهروندان:

۱. مشارکت اطلاعاتی:

شامل ارائه اطلاعات و آگاهی به شهروندان درباره مسائل شهری و فعالیت های شهرداری. برگزاری جلسات عمومی و کارگاه های آموزشی برای افزایش آگاهی شهروندان.

۲. مشارکت مشورتی:

شامل جلب نظرات و پیشنهادات شهروندان در تصمیم گیری های شهرداری. استفاده از نظرسنجی ها و مشاوره های عمومی برای جمع آوری نظرات.

۳. مشارکت عملی:

شامل مشارکت مستقیم شهروندان در پروژه های عمرانی و خدمات شهری. ایجاد گروه های داوطلب و انجمن های محلی برای همکاری در پروژه های اجتماعی.

۴. مشارکت مالی:

شامل تأمین منابع مالی از طریق کمک های مردمی و سرمایه گذاری های محلی. ایجاد سیستم های تأمین مالی جمعی برای پروژه های خاص.

۵. مشارکت سیاسی:

شامل مشارکت در فرآیندهای سیاسی و انتخاباتی، مانند رأی گیری و انتخاب نمایندگان محلی. ایجاد نهادهای مدنی و انجمن های محلی برای نمایندگی منافع شهروندان.

سطوح مشارکت شهروندان:

۱. سطح فردی:

مشارکت هر فرد به صورت مستقل در فعالیت های اجتماعی و شهری. نظارت بر عملکرد شهرداری و ارائه پیشنهادات شخصی.

۲. سطح گروهی:

مشارکت در گروه های محلی، انجمن ها و سازمان های غیردولتی. همکاری با دیگر شهروندان برای انجام پروژه های مشترک.

۳. سطح نهادی:

مشارکت در نهادهای رسمی مانند شوراهای محلی و کمیته های مشورتی. همکاری با شهرداری ها در فرآیندهای تصمیم گیری و برنامه ریزی.

۴. سطح اجتماعی:

مشارکت در فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی که به بهبود جامعه کمک می‌کند.

ایجاد شبکه‌های اجتماعی برای تبادل اطلاعات و تجربیات.

مشارکت شهروندان در شهرداری‌ها نه تنها به بهبود کیفیت خدمات شهری کمک می‌کند، بلکه باعث افزایش حس تعلق و

مسئولیت‌پذیری در میان شهروندان می‌شود. با توجه به ابعاد و سطوح مختلف مشارکت، شهرداری‌ها می‌توانند با ایجاد

بسترهای مناسب، شهروندان را به مشارکت فعال در فرآیندهای مدیریتی ترغیب کنند.

منابع و مآخذ

۱. پورصفر علی، رضائی سجاد، حاتم سیاهکل محله، علیرضا (۱۳۹۸) نقش میانجی رضایت شغلی در رابطه بین کارکردهای مربیگری (منتورینگ) و تعهد سازمانی در کارکنان بیمارستانی؛ تصویر سلامت، ۱۳۹۸، دوره ۱۰، شماره ۴.
۲. حامد مقدم، احمد (۱۳۸۳)، مشارکت و توسعه ی مشارکتی روستایی، مجموعه مقالات سمینار جامعه شناسی و توسعه (جلد دوم)، تهران، انتشارات سمت.
۳. حبیبی، سید محسن و سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۴)، شهرسازی مشارکتی؛ کاوشی نظری در شرایط ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۴، صص ۲۴-۱۵.
۴. حسینی، سید جواد (۱۳۸۷)، مشارکت پایدار مردمی در نوسازی و بازسازی بافت های فرسوده شهری، سخن گستر، مشهد.
۵. خوانساری زهرانیل فروشان پریسا (۱۳۹۹) رابطه رسالت مسیر شغلی با رضایت تحصیلی: نقش میانجی خودکارآمدی تصمیم گیری و انطباق پذیری مسیر شغلی و نقش تعدیل گری مقطع تحصیلی، دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، بهار ۱۳۹۹، دوره ۲۱، شماره ۱.
۶. علوی تبار، علی (۱۳۸۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران) جلد دهم، تهران. انتشارات سازمان شهرداری های کشور، چاپ اول.
۷. غفاری، غلامرضا (۱۳۹۱)؛ تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی، اقتصادی سازمان یافته روستاییان به عنوان مکانیزمی برای توسعه روستایی ایران، پایان نامه دکتری، رشته جامعه شناسی توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ص ۱۴۷.
۸. غلامی الهام (۱۳۹۹) تاثیر رضایت شغلی بر عملکرد سازمانی، رهیافتی در مدیریت بازرگانی، بهار ۱۳۹۹، دوره ۱، شماره ۲.
۹. کاکاوند، الهام، براتی، ناصر و امی نزاده گوهریزی، بهرام (۱۳۹۲). سنجش تطبیقی تصویر ذهنی شهروند و شهرساز به مفهوم کیفیت محیط شهری. باغ نظر.